

مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیت الله سبحانی

عیسی عیسی زاده

چکیده

قرآن به عنوان یگانه کتاب آسمانی محفوظ مانده از هر گونه تحریف، با هدف هدایت بشر در تمام عصرها، بارها انسان ها را به تفکر در آیاتش دعوت نموده است، یکی از موضوعات نیازمند به تامل و تدبر در آیات الهی، کیفیت رابطه قرآن با علوم مختلف بشری همانند علوم انسانی است، یکی از راه های دستیابی به این رابطه قرآن و علوم، بررسی آرای اندیشمندانی است که عمر خویش را در فهم عمیق این مائده آسمانی صرف نمودند از دانشمندانی که آیات الهی را از این جهت مورد بررسی دقیق قرار داده است، علامه شیخ جعفر سبحانی می باشد، در پژوهش پیش رو با هدف دستیابی به آرای ایشان، تلاش شده است تا با بهره جستن از آثار قلمی و بیانی ایشان، مواضع علمی و در باره ابعاد گوناگون مرجعیت علمی قرآن بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد. پس از بررسی ملاحظات علامه سبحانی مشخص گردید که ایشان قائل به مرجعیت علمی قرآن برای علوم مختلف اعم از علوم اسلامی مثل فقه، کلام و... و علوم انسانی همچون دانش مدیریت، جامعه شناسی و... می باشد.

کلید واژه: قرآن، مرجعیت، علوم، جامعیت، سبحانی

تبیین مسئله

سیطره علوم و دانش های غربی بر جوامع اسلامی یکی از خطرات جدی است که هویت اسلامی مسلمانان را مورد تهدید قرار داده است زیرا این علوم بشری تولید شده براساس جهان بینی مادی و نگرش اومانیستی منفک شده از معرف و حیانی، نتیجه ای جز سرنوشتی که امروز دنیای غرب رابه لجن زارهای اخلاقی فرو برده، عاید دیگری به دنبال نخواهد داشت، از این رو ضرورت دارد تا اندیشمندان اسلامی با بهره گیری از منابع غنی و حیانی و مکتب پویای اهل بیت (ع)، پایه ها و مبانی دانش های مورد نیاز بشری را با رویکرد جهان بینی الهی، کشف و جایگزین علوم مادی وارداتی بیگانگان نمایند.

با توجه به نکته یاد شده یکی از دانشمند بزرگ اسلامی که در لابلای مباحث تفسیری و سخنان خویش در مجامع علمی به گونه هایی از این مسئله اشاره کرده علامه شیخ جعفر سبحانی می باشد. در پژوهش پیش رو تلاش شده است تا با بررسی آثار مکتوب و سخنرانی های ایشان در باره مرجعیت علمی و دیگر موضوعات مرتبط، خلاصه ای از آرای ایشان ارائه گردد.

نگاهی گذرا به زندگی علامه سبحانی

شایسته است در ابتدای این پژوهش جهت الگوپذیری از تلاش های عالمانه و خالصانه علامه سبحانی گزارش مختصری از زندگی پر برکت ایشان ارائه گردد.

علامه شیخ جعفر سبحانی، - متولد: ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ ش - در تبریز، پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، در مکتب خانه مرحوم میرزا محمود فاضل فرزند فاضل مراغی از شاگردان شیخ اعظم انصاری) به فراگیری متون ادب پارسی پرداخت. سپس در ۱۴ سالگی (۱۳۶۱ ق) رهسپار مدرسه علمیه طالبیه تبریز گردید و به آموختن مقدمات علوم و سطوح پرداخت.

علامه سبحانی، در آن زمان سخت مشغول تعلیم و تعلم (دروس مقدمات) و مباحثه و تألیف بود. یادگار قلمی ایشان از آن زمان (با اینکه نوجوانی ۱۷ ساله بود) دو کتاب است که هم اینک موجود می باشد: معیار الفکر (در منطق) و مهذب البلاغه (در علم معانی، بیان و بدیع).

وی در مهر ماه ۱۳۲۵ شمسی وارد قم شد و به تکمیل سطوح، همت گماشت. باقیمانده فرائد الاصول را نزد مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی (۱۳۷۹ - ۱۳۲۷ ق) و آیت الله حاج میرزا احمد کافی (۱۴۱۲ - ۱۳۱۸ ق) آموخت و کفایه الاصول را هم نزد مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (م ۱۴۱۴ ق) بیاموخت.

علامه شیخ جعفر سبحانی پس از تکمیل سطوح عالی در ۱۳۶۹ ق، به درسهای خارج فقه و اصول بزرگانی راه یافت و به خوشه چینی از محضر بزرگان همچون: مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، مرحوم آیت الله حاج سید محمد حجت کوهکمری، مرحوم آیت الله بروجردی - مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی، پرداخت، معظم له تا پایان دوره اول درس اصول حضرت امام، به درس ایشان حاضر گشت آنگاه بر آن شد تا مجموع

درسهای ایشان را به دقت ضبط کند و تحریر نماید، این کار در ضمن ۷ سال، انجام گرفت و در همان زمان به چاپ رسید.

از جمله فعالیت های ایشان: شرکت در تأسیس مجله مکتب اسلام، شرکت در تدوین قانون اساسی، شرکت در مبارزات حق طلبانه روحانیت بر علیه رژیم فاسد، تألیف نخستین تفسیر موضوعی قرآن (منشور جاوید)، ایجاد رشته تخصصی کلام اسلامی در حوزه علمیه قم، مبارزه با وهابیت از طریق تألیف و سخنرانی و پاسخ به شبهات.

آثار علمی علامه سبحانی

استاد علامه جعفری در موضوعات مختلف به ویژه در حوزه کلام، تاریخ، تفسیر، فقه و اصول آثار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته است اما آن آثاری که مرتبط با موضوع مرجعیت علمی قرآن باشد کتاب منشور جاوید است.

این اثر قرآنی اولین تفسیر موضوعی است که در چند جلد به تحریر در آمده است و در آن به ابعاد گوناگون مباحث قرآن پرداخته است.

مفهوم شناسی واژگان

۱. قرآن

قرآن، در اصل، مصدر [به معنای خواندن] است^۱، برخی گفته اند: قرآن اسم علم غیر مشتق و مختص به کلام خدا است و همزه آن از حروف اصلی نیست^۲ و برخی آن را مشتق از « قرن الشیء بالشیء » [پیوند زدن و افزودن چیزی بر چیزی] دانسته اند، زیرا سوره ها و آیات و حروف آن بر هم افزوده شده و مقارنت دارند^۳. عده ای از کسانی که قرآن را مهموز دانسته اند آن را مصدر « قرأت » ذکر کرده اند که در واقع « مقرأ » [خوانده شده] را قرآن [خواندن] نامیده اند و جمعی دیگر آن را وصف و از ماده « قرء » به معنای جمع دانسته اند^۴. قرآن وحی نامه اعجاز آمیز الهی است که به زبان عربی، به عین الفاظ به وسیله فرشته امین وحی [جبرئیل] از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هم اجمالاً یک بار و هم تفصیلاً در مدت بیست و سه سال نازل شده و حضرت آن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده و کاتبان وحی [از میان اصحاب] آن را با نظارت مستقیم و مستمر حضرت (صلی الله علیه و آله) نوشته اند و حافظان بسیار هم از میان اصحاب

۱. راغب اصفهانی حسین، مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۶۸، « قرأ ».

۲. سیوطی جلال الدین، اللاتقان، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳. همان.

۴. طوسی محمد بن حسن، التبیان، ج ۱، ص ۱۸؛ اللاتقان، ج ۱، ص ۱۱۳.

آن را حفظ و به تواتر نقل کرده اند. قرآن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مکتوب، ولی مدوّن نبوده و بعدها از سوره فاتحه تا ناس در ۱۱۴ سوره مدوّن گردیده و متن آن مقدّس، متواتر و قطعی الصدور است.^۵ علامه جعفر سبحانی در تعریف قرآن فرمودند: «در معرفی قرآن همین بس که خداوند در عظمتش فرموده است. «این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند...»^۶ و در سخنی دیگر فرمود: «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمتو بشارت برای مسلمانان است»^۷ و دیگر ویژگی‌هایی که در قرآن به آن اشاره شده است.^۸

۲. جامعیت قرآن

منظور از جامعیت قرآن آن است که انسان را در عرصه‌های فردی و جمعی در هر زمان و مکانی به بهترین راه سعادت و کمال و تعالی هدایت می‌کند. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند. یعنی قرآن هدایتگری است که نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا بیان می‌کند.^۹ راهنمای گویا و دستوری استوار است^{۱۰} نشانه هدایت برای کسی است که در آن بنگرد.^{۱۱} کسی با قرآن همنشین نشد؛ مگر آنکه در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست.^{۱۲} قرآن سامان دهنده امور فردی و اجتماعی انسان‌هاست.^{۱۳} جامع علم آینده و حدیث گذشته است.^{۱۴} و اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی انسان‌ها را در خود جای داده است.^{۱۵}

علامه جعفر سبحانی درباره ابعاد گوناگون و دلیل جامعیت قرآن فرمودند: «قرآن، کتابی است جاودانه و دارای ابعاد گوناگون و بطون مختلف که در هر زمان اندیشه پیشرفت بشری به بُعدی از آن پی می‌برد و محققان شیفته قرآن در هر رشته از معارف می‌توانند بُعدی از آن را کشف کنند و پژوهش در آن تنها در انحصار عرفاء، فقهاء، فلاسفه، متخصصان علوم قدیم و الهیات نیست این که امروز دانشمندان علوم طبیعی و ریاضی و یا علوم انسانی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، نکات نو و دقیقی از آن استفاده می‌کنند، خود نشانه آن

۵. خرّمشاهی خرم دین، دانشنامه قرآن، ج ۲، ص ۱۶۳۰.

۶. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» اسراء: ۹.

۷. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» نحل: ۸۹.

۸. سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه ص ۱۱.

۹. سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۱۰. همان، خطبه ۱۶۹.

۱۱. همان، خطبه ۱۹۸.

۱۲. همان، ۱۷۶.

۱۳. همان، خطبه ۱۵۶.

۱۴. همان.

۱۵. همان، خطبه ۳۱۳.

است که این معجزه جاویدان دارای ابعاد مختلف و متنوعی است که در تصویر اندیشه های یک تیپ و پروژه یک فرهنگ و یک زمان نمی گنجد.^{۱۶}

علامه طباطبایی جامعیت قرآن را در سه قلمرو؛ جامعیت عمقی (محتوایی)، جامعیت زمانی (جاودانگی) و جامعیت مکانی (جهان شمولی) می داند.^{۱۷}

۳. منبعیت قرآن

در اندیشه اسلامی مهمترین منبع فهم و استنباط مسائل، احکام و علوم بشری و نیز تعقل، فرزاندگی و رشد عقلانی انسان، قرآن کریم است. از این رو، در یک نگاه، اگر طبیعت منبع تغذیه جسمانی انسان دانسته می شود (مؤمنون / ۱۹ و ۲۰؛ عبس / ۲۹ - ۳۲؛ نحل / ۱۱ و ۶۶)، قرآن نیز منبع تغذیه معنوی انسان (اسراء / ۸۲؛ رعد / ۲۸؛ یونس / ۵۷؛ فصلت / ۴۴) دانسته شده است؛ یعنی هم شریعت (به معنای عام) و هم طبیعت، دو واقعیت بیرونی و دو منبع برای تعقل و اندیشه ورزی انسان است، تا جایی که به یک اعتبار خود انسان را نیز می توان در حوزه طبیعت قرار داد، بدین روی، نفس انسان نیز منبعی برای تعقل و اندیشه ورزی است. چنانچه در دانش عرفان برای تعالی انسان، شناخت خود انسان، ارتباط و تعامل با خود انسان و تأمل و تدبر در خود انسان مطرح می شود. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»^{۱۸}؛ هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است.

البته هیچ کدام از منابع یاد شده قرارگاه انسان نیستند. بلکه گذرگاهها هستند. در واقع این گذرگاهها برای نیروبخشی انسان در جهت رسیدن به هدف نهایی یعنی تقرب خدا و خدایی شدن است. از این رو، در صورت توقف انسان در آنها و یا غفلت از آنها، حرکت و تعالی یافتن انسان نیز متوقف می شود که نوعی تنزل است و یا ایستا است که باز ایستایی نیز نوعی تنزل است. بنابراین، انسان با دو بال یعنی شریعت و طبیعت به سمت هدف نهایی یعنی تقرب الی الله سیر می کند. بنابراین، قرآن کریم قبل از آنکه برای علوم انسانی مرجع باشد، منبع برای تعقل و اندیشه ورزی است.^{۱۹}

علامه جعفر سبحانی در بیان علت جامعیت منبع بودن قرآن برای علوم مختلف فرمودند: «مرور زمان دید و بینش جدیدونویی به افراد عنایت کرده است و هر گروهی نسبت به موضوع مورد علاقه خود از قرآن، برداشت خاصی دارند و بهره گیری از قرآن در زمینه های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در حال تزايد و افزایش است و محققان

^{۱۶}. سبحانی جعفر، منشور جاوید، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶.

^{۱۷}. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۲۷۱.

^{۱۸}. مجلسی محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲.

^{۱۹}. حکیمی عبدالمومن و دیگران، مبانی قرآنی تحول علوم انسانی با نگاهی بر اندیشه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات جریان شناسی و شخصیت های قرآن و علوم انسانی، ج ۱، ص ۶-۸.

اسلامی با این کار و ایجاد روش های جدید، حقایقی را از قرآن استخراج می کنند که هرگز از فکر اندیشمندان دینی خطور نمی کرد زیرا وسیله استخراج این معانی بدیع از قرآن را نداشته اند.^{۲۰}

۴. مرجعیت

مرجعیت مصدر جعلی از ماده «رجع» به معنای بازگشتن بوده^{۲۱} و دارایی معانی ذیل می باشد.

۱. شخص متفکر و صاحب نظری که مردم برای نظرخواهی یا رفع مشکلات خود به او مراجعه می کنند مانند مراجع تقلید. ۲. آنچه برای دسترسی به اطلاعات و آگاهی های لازم در باره موضوعی به آن مراجعه می کنند مانند کتاب های مرجع. ۳. در دستور زبان به معنای کلمه است که ضمیر به آن بر می گردد^{۲۲} و از نام های زبان انگلیسی نیز authority را که هم معنای مرجع است به اعتبار، نفوذ و نویسنده معتبر ترجمه کرده است.^{۲۳} هم چنین مرجعیت را به معنای دارای حاکمیت بر چیزی بودن و قدرت کنترل چیزی را داشتن گرفته اند.^{۲۴}

۵. مرجعیت علمی قرآن

مراد از مرجعیت علمی قرآن در علوم؛ اخذ و استفاده از داده ها و اطلاعات قرآنی برای تاسیس، تکمیل و تحول آن علوم است؛ یعنی در زمینه منابع مانند تاریخ، انسان شناسی، مردم شناسی و جامعه شناسی، در زمینه روش مانند روش شهودی، عقلی، نقلی و استنباطی و هم در جهت ارزش گذاری و هدفمندسازی علوم باید به قرآن مراجعه کرد و با محوریت داده های قرآنی به رفع نواقص و یا تکمیل علوم پرداخت.^{۲۵} و در تعریفی دیگر اینچنین آمده است: حاکم ساختن بایدها و نبایدها قرآنی بر عرصه های علوم طبیعی و انسانی به منظور جهت گیری سالم در مسیر تکامل حقیقی انسان است. به عبارت دیگر؛ مراد از مرجعیت علمی قرآن پذیرش حاکمیت قرآن در زمینه نگرش های اعتقادی و کنترل کنش های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرار دادن تلاش های عملی انسان در جهت نیل به سعادت و کمال حقیقی است به گونه که روح توحید در ابعاد و جنبه های گوناگون دانش بشری سریان و حضور داشته باشد.^{۲۶} بنا بر این، معنای مرجعیت قرآن در مثل علوم انسانی، یافتن تمام گزاره های علمی علوم انسانی از قرآن نیست بلکه بنیان نهادن آن ها با تکیه به مرجعیت قرآن و طبق مبانی، متد، محتوا و غایات الهی مورد تأیید قرآن است؛ به عبارتی دیگر این علوم یا متخذ از قرآن است و یا از سنت و سیره و حتی یافته های عقلی بشری که ضمانت قرآنی برای اطمینان بخشی و درستی دارند. اساسا باید میان منبعیت و مرجعیت، تفاوت قایل شد و آن اینکه در مرجعیت، نوعی تحکّم و حاکمیت بالادستی مطرح است ولی منبع، فقط بر محلّ اخذ

۲۰. سبحانی، جعفر منشور جاوید، ج ۲، ص ۱۵.

۲۱. ابن منظور محمدین مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲۲. انوری دکتر حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، ماده مرجع.

۲۳. ایران پناه، اکبر، ترجمه فرهنگ اکسفورد، ص ۳۶.

۲۴. طلوع ابوالقاسم، فرهنگ پایه لانگمن، ص ۲۰.

۲۵. عالمی عبد الرئوف، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص ۲۲۱

۲۶. طوسی، محمد حسن، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص ۲۳۸ و ۲۳۹

اطلاعات اطلاق می شود ولذا مرجعیت قرآن برتر از منبع بودن آن است و معنای مرجعیت قرآن، حاکمیت آموزه ها و تعالیم قرآنی بر سایر قضایا و گزاره های بشری در علوم انسانی است.^{۲۷}

پیش فرض های مرجعیت علمی قرآن کریم

۱. مصونیت قرآن از تحریف

یکی از پیش فرض های مرجعیت علمی قرآن، اثبات مصونیت قرآن از تحریف می باشد والا نمی شود از قرآنی که مورد تحریف قرار گرفته باشد برای مرجعیت علمی از آن استفاده کرد. علامه سبحانی برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف از دلایل ذیل استفاده نموده است.

دلایل مصونیت قرآن از تحریف

۱.۱. احادیث عرضه به قرآن

یکی از دلایل مصونیت قرآن از تحریف وجود روایات عرضه نمودن احادیث اهل بیت به قرآن است که این روایات در حد تضافر رسیده است و شیخ حر عاملی آنها را در باب نهم از ابواب صفات قاضی در کتاب وسائل الشیعه ارائه نموده است. که در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می شود:

الف: مرحوم کلینی از سکونی از امام صادق (ع) نقل نموده است: که رسول خدا (ص) فرمود: « برای هر امر حقی و حقیقتی موجود است (که بسوی آن حق رهبری میکند) و بر سر هر امر درستی نوری موجود است، پس آنچه موافق قرآنست اخذ کنید و آنچه مخالف قرآنست ترک نمائید (زیرا قرآن نور است و حقیقت که مردم را بحق و صواب دلالت^{۲۸}».

ب: ایوب بن راشد از امام صادق نقل نموده است که فرمود: « هر حدیثی که با قرآن موافق نبود قابل اعتنا نیست.»^{۲۹}

وجه دلالت:

الف: از عرضه نمودن احادیث به کتاب خدا اینگونه فهمیده می شود که کتاب خدا به عنوان مقیاس حق و باطل بودن احادیث تعیین شده است و از سویی دیگر هرگونه تحریف، تبدیل و تصرف با مقیاس بودن قرآن منافات دارد در نتیجه قرآنی می تواند مقیاس و معیار صحت و وباطل بودن احادیث قرار گیرد که از این مسائل مصون بوده باشد.

ب: تامل در روایات عرضه این نکته را ثابت می کند که شرط لازم در صحت روایت عرضه شده، مخالف نبودن با قرآن است نه موافق بودن و گرنه لازم می آید که بسیاری از روایات از رده خارج شود چون قرآن هیچ اشاره

^{۲۷}. عظیمی محمد شریف، چیستی و چگونه مرجعیت قرآن در علوم انسانی، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۴۹۶

^{۲۸}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۸۸.

^{۲۹}. همان.

ای به مفاد آن روایت چه نفیا و چه اثباتا نکرده است. و این مخالفت و موافقت با قرآن قابل شناخت نیست الا آنکه قرآن با تمام سوره ها و آیاتش نزد ما موجود باشد و الا ممکن است روایت مخالف با آن آیه ای باشد که حذف یا تحریف شده است. بنابراین شرط عرضه روایات به قرآن، مصونیت آن از هرگونه تحریف می باشد.^{۳۰}

۲. حدیث ثقلین

دومین دلیلی که علامه سبحانی برای مصونیت قرآن از هرگونه تحریف اقامه نموده است حدیث ثقلین می باشد ایشان در توضیح این دلیل فرمودند: « رسول خدا(ص) در حدیث ثقلین سفارش نموده است به تمسک به قرآن و اهل بیت(ع)،^{۳۱} از این کلام استفاده می شودن قرآن مورد تحریف واقع نشده است. به دلیل آنکه اولاً، دستور به تمسک به قرآن فرع بر این است که قرآن در اختیار متمسکین باشد و ثانياً در صورت قول به حف بخشی از قرآن و سوره ها سبب می شود از اطمینان از موارد موجود از قرآن حاصل نشود زیرا احتمال دارد که موارد حذف شده قرینه ای باشد بر مراد از آیه موجود.»^{۳۲}

۳. کلام اهل بیت(ع)

سومین دلیلی که علامه سبحانی برای مصونیت قرآن از تحریف ارائه نمود کلام معصومین می باشد ایشان در استدلال به این دلیل فرمودند: «دقت در خطبه های امیر المومنین علی(ع) و کلمات معصومین(ع) این مطلب را ثابت می کند که قرآن از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ مانده است که به عنوان نمونه به کلامی از حضرت علی(ع) در این باره اکتفا می شود». آن حضرت فرمود: «و قرآن را که بیان دارنده هر چیز است بر شما فرو فرستاد، و پیامبر خویش را روزگاری میان شما زندگانی داد، تا با آیه ها که در کتاب خود نازل فرمود دینی را که پسندید، برای او و شما کامل نمود»^{۳۳}

این کلام حضرت علی(ع) صراحت دارد در اینکه دین در سایه کتاب کامل گردید آن وقت چطور می شود دین در سایه کتابی که تحریف شده است کامل گردد؟ پس معلوم می شود که کتاب مصون از تحریف است که دین در سایه آن کامل گردید.»^{۳۴}

۲. جهان شمولی و جاودانگی

^{۳۰}. سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه ص ۴۷ و ۴۸.

^{۳۱}. «قال رسول الله(ص) «إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله، و عترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا» علی بن محمد خراز رازی، کفایه الاثر، ص ۱۳۷، این روایت به تعبیر مختلف در اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۴ و دیگر منابع معتبر شیعه و اهل سنت آمده آمده است.

^{۳۲}. سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه ص ۴۷.

^{۳۳}. «و أنزلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ عَمَرَ فِيكُمْ نَبِيَّهُ أَوْمَانًا حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ وَ لَكُمْ فِيهَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابِهِ دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِهِ» ترجمه شهیدی، نهج البلاغه، خطبه ۸۶ ص ۶۷

^{۳۴}. سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، ص ۴۸.

قرآن مجید برای هدایت همگان در همه زمان ها تنزل یافته است و همه افراد بشر که در پهنه زمین و گستره زمان بسر می‌برند می‌توانند از رهنمودهای آن برخوردار شوند. چون می‌فرماید: ... إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ؛ (انعام/ ۹۰) «این قرآن جز تذکری برای عالمیان نیست» و نیز در این آیه می‌فرماید: نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ؛ «مدثر/ ۳۶» [این کتاب] بیم دهنده برای بشر است. بر این اساس هیچ گاه گرد کهنگی و غبار فرسودگی بر آن نمی‌نشیند و همیشه تازه است. امام باقر علیه السلام با تشبیه معقول به محسوس، جاودانگی قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و مهتاب مانند ساخته، می‌فرماید: «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ؛ قرآن مانند مهر و ماه، همیشه در جریان است» تا زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن کند. یکی از رسالت‌های این کتاب آن است که همواره نقص و نقض فراورده‌های بشری را به وی تفهیم کند و نیز انسان را از پندار استغنا نسبت به معبود خود بر حذر دارد (توضیح بیشتر در این باره خواهد آمد). آری به همین دلیل که این کتاب جهان شمول و جاودانه است محتوای آن از آموزه‌های متنوع و گستره آن از ملک تا ملکوت است و با قالب بندی‌های مختلف از برهان، تمثیل، جدال، گزینش صحنه‌های تاریخی، پرسش، تکرار و ... در عین ظرافت‌های گوناگون بیانی و تصویری، شکل گرفته است.

علامه سبحانی در جهان شمولی معارف قرآن فرمود: محور و گستره تشریح و قوانین قرآن نوع انسان است منهای هر نوع قیدی همچون قومیت، سرزمین، طائفه و رنگ که در این صورت توصیه‌های قرآن برای تمام انسانها می‌باشد همانگونه که در خود قرآن انسان بدون قید مورد خطاب قرار گرفته است «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است»^{۳۵} در این آیه معیار کرامت و برتری انسان‌ها فقط تقوا قرار گرفته است نه چیز دیگر. و همچنین در کلام دیگر آمده است: «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان».^{۳۶}

علامه طباطبایی نیز در مورد جهان شمولی قرآن می‌نویسد: قرآن مجید در مطالب خود به امتی از امت‌ها مانند امت عرب یا طائفه‌ای از طوایف مانند مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه باطوایف خارج از اسلام نیز سخن می‌گوید و اعتبار و صحتش محدود به وقت و مخصوص به زمان معین نیست. (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۱۵)

۳. امکان استخراج حقایق دانش‌های گوناگون از قرآن

علامه سبحانی در باره علت امکان استخراج حقایق علوم از قرآن فرمودند: «با در نظر گرفتن سخن ابن عباس «انَّ الْقُرْآنَ يَفْسِرُهُ الزَّمَانُ» که مرورو گذشت زمان قرآن را تفسیر می‌کند ما در این قرن گذشته از صدق گفتار ابن عباس آگاه شدیم زیرا نه تنها مرورو زمان به دانشمندان طبیعی امکان بخشیده

^{۳۵} «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» حجرات: ۱۳

^{۳۶} «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» يونس: ۵۷؛ سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابه ص ۲۰.

است که حقایق لزر قرآن پیرامون خلقت زمین و آسمان و دیگر پدیده های طبیعی استخراج کنند بلکه مرور زمان که توام با شکوفایی دانش ها و بینش های علمی انسان است به مفسران امکان بخشیده که حقایق بسیار ارزنده ای را از قرآن استخراج نمایند.^{۳۷}

۴. گستره ورود قرآن به علوم

از نظر علامه سبحانی قرآن در اصول کلی علوم همچون عبادات، تجارت و غیر اینها ورود پیدا کرده است و بیان تفصیلی مسائل علوم را به سنت واگذار نموده است مثلا در علم فقه مباحث کلی نماز، زکات و خمس را بیان نموده ولی جزئیات آن را پیامبر(ص) و معصومین(ص) سپرده است. ریرا قرآن شامل دستورات کلی برای انسانها و مسلمانها است.^{۳۸}

۵. نهایت ناپذیری قرآن

علامه سبحانی در باره نهایت ناپذیری قرآن نکات ارزشمندی را در تفسیر موضوعی خویش به شرح ذیل ارائه نمودند: «هنوز نیم قرن از نزول قرآن نگذشته بود که دانشمندان اسلام برای فهم مطالب و استخراج گنجینه ها نهفته آن علوم و دانش هایی را پایه گذاری نمودند و در حقیقت بسیاری از رشته های علوم اسلامی از قبیل لغت، صرف، نحو، معانی، بدذیع، قرائت، تجوید، قصص قرآن و شان نزول آیات برای درک مفاهیم عالی قرآن پایه گذاری شد. با چنین توجه شایان تقدیر و با این که در این چهارده قرن متخصص ها روی کشف معانی و درک مفاهیم بلند آن کار کرده و شب و روز آیات محدود آنرا زیر و رو نموده و مورد بررسی قرار داده اند مع الوصف این معجزه جاویدان کتاب اسرار آمیز عجیبی است که هنوز پنجه فکر بشر به همه اسرار و گنجینه نهفته آن دست نیافته است و هرچه در باره معرف عقلی و قوانین اجتماعی و اخلاقی و سائر تعالیم آن غور و بررسی می کند هر روز مطالب و مفاهیم تازه تری از آن استخراج می نماید، که متخصصان پیشین قرآن از آن غفلت داشتند تو گویی قرآن اقیانوس ژرف و ناپیدا کرانه ای است که با هیچ قدرتی نمی توان به ژرفای آن رسید و با هیچ نیروئی نمی توان بال اندیشه را در کرانه های آن به پرواز در آورد.

تو گویی قرآن نسخه دوم جهان طبیعت است که هر چه بینش ها وسیع تر و دیده ها عمیق تر گردد هرچه در باره آن بحث و بررسی، تحقیق و مطالعه انجام گیرد رموز و اسرار آن تجلی بیشتر نموده و حقایق کاملا تازه ای از آن به دست می آید و از کتاب خدای نامتناهی جز این نیز انتظار نیست هر گاه وجود او نامتناهی و نامحدود است و برای وجود او هیچ نوع حدودمرزی نیست باید کتاب او نیز نشانی از خود او داشته باشد و بسان آفتاب خود گواه خویش و راهنمای دیگران باشد.^{۳۹}

۳۷. سبحانی جعفر، منشور جاوید، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۷.

۳۸. جعفر سبحانی، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه ص ۱۹.

۳۹. سبحانی جعفر، منشور جاوید، ج ۱ ص ۱۲ و ۱۳.

علامه سبحانی در ادامه برای نهایت ناپذیری قرآن به کلام پیامبر اسلام (ص) اشاره نموده و فرموده است: «پیامبر عالیقدر اسلام (ص) نخستین کسی است که به موضوع (نهایت ناپذیری) مفاهیم و حقایق قرآن تصریح نموده است و آن را بزرگترین معرف قرآن قرار داده است، آنجا که می فرماید: «له ظهْرٌ و بطنٌ فظاهرُهُ حکمٌ و باطنُهُ علمٌ ظاهرُهُ انیقٌ و لا تُبلی غرائبُهُ انیقٌ و باطنُهُ عمیقٌ له تخومٌ و علی تخومه تخومٌ لا تُحصی عجائبُهُ و لا تُبلی غرائبُهُ فيه مصابیحُ الهدی و منارُ الحکمه»^{۴۰}

برای قرآن ظاهر و باطن است ظاهر آن فرمان و دستور است و باطن آن علم و دانش معانی عمیق آن در قالب الفاظ زیبا ریخته شده است قرآن دارای اصل و هراصلی از آن ریشه و اصلی دارد شگفتی های آن پایان پذیر نیست و حقایق آن همیشه تازه آیات آن مشعل های هدایت و سر چشمه حکمت می باشد.»^{۴۱}

علامه سبحانی در ادامه برای توضیح بیشتر در باره پایان ناپذیری قرآن به سخنان امیر مومنین و امام رضا (ع) استناد نموده است و فرموده است: «برای پس از پیامبر اسلام نخستین تربیت یافته مکتب او امیر مومنان قرآن مجید را چنین توصیف می کند: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ وَ... وَبَحْرًا لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ وَ عِيُونَ لَا يَنْضَبُّهَا الْمَاتِحُونَ وَ مَنْاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ»^{۴۲}

قرآن آن مشعل هدایتی است که خاموش نمی گردد و چراغی است که بر افروختگی آن فرو نمی نشیند و دریائی است که ته آن پیدا نمی شود و آب آن با کشیدن خالی نمی گردد و چشمه هایی است که آب آن هرگز کم نمی شود و واردین بر آن از آب آن نمی کاهند.

شخصی از حضرت اما رضا (ع) پرسید: «مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَ الدَّرْسِ إِلَّا غَضَاضَةً قَالَ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمْ يَجْعَلْهُ لِمَازَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لِمَازَانَ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^{۴۳}

چرا تدریس و بررسی قرآن از تازگی و طراوت آن نمی کاهد بلکه بر طراوت آن می افزاید امام در پاسخ وی فرمود: خداوند: خداوند قرآن را برای زمان معینی و مردم خاصی فرو نفرستاده است از این نظر در هر زمانی تازه و در نزد همه ملل جهان تا روز رستاخیز تازه است.

امام علی بن موسی الرضا (ع) در این حدیث نه تنها به موضوع «نهایت ناپذیری» قرآن اشاره نموده است بلکه به بیان علت آن پرداخته و نکته آن را روشن ساخته است.»^{۴۴}

اصول و مبانی تولید علوم انسانی بر اساس مرجعیت علمی قرآن

^{۴۰} کلینی محمد بن یعقوب، الکافی ج ۲ ص ۵۹۹.

^{۴۱} سبحانی جعفر، منشور جاوید، ج ۱ ص ۱۳.

^{۴۲} شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

^{۴۳} طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۵۸۱.

^{۴۴} سبحانی جعفر، منشور جاوید، ج ۱ ص ۱۳ و ۱۴.

۱. توجه به جایگاه انسان در قرآن

با بررسی آثار علامه سبحانی می توان به این نکته اشاره نمود که ایشان برای تولید علوم انسانی بر اساس مرجعیت علمی قرآن، رعایت یک تعدادی از اصول و مبانی را ضروری می دانند که در این بخش به آن اشاره می گردد.

یکی از اصول و مبانی برای تولید دانش بر اساس آموزه های وحیانی قرآن، نوع نگاه به انسان است ایشان در این باره فرمودند: «از دیدگاه قرآن انسان خلیفه و جانشین خداوند^{۴۵} در زمین است که امانت الهی را بر دوش می کشد^{۴۶} و هدف او هم دسترسی به تکامل و قرب الهی و نیل به سعادت دنیوی و اخروی می باشد و اگر بناست ابعاد مادی و معنوی انسان به عنوان علوم انسانی چه طبیعی و غیر طبیعی مورد بررسی قرار گیرد باید این جایگاه به عنوان رکن اساسی این علوم مورد عنایت قرار گیرد.»^{۴۷} ایشان در سخنی دیگر فرمودند: «اگر علما و اندیشمندان اسلامی می گویند علوم انسانی را قرآنی و وحیانی کنیم، مرادشان این است که در تدوین علوم انسانی باید جایگاه قرآنی انسان و ارتباط او با خدا و عالم غیب مورد توجه قرار گیرد و اگر مسائلی در باره ابعاد گوناگون زندگی انسان مورد بررسی قرار می گیرد چه بعد مادی و چه بعد روانی و یا دیگر ابعاد مورد نظر مثل بعد اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی در همه این موارد باید شخصیت قرآنی انسان و اهداف خلقت وی مورد عنایت جدی قرار گیرد.»^{۴۸}

۲. توجه به غایت خلقت انسان

علامه سبحانی در باره نقش غایت خلقت انسان در تولید علوم انسانی فرمودند: «بدون توجه به غایت خلقت بشر نمی توان ابعاد گوناگون زندگی او را مورد بررسی و علوم مورد نیاز آن بعد را تدوین کرد متأسفانه در علوم غرب به دلیل بی توجهی به این امر مباحثی را مطرح کردند که با اهداف خلقت انسان در تضاد می باشد.»^{۴۹}

۳. توجه به ارزش های اخلاقی قرآن

یکی از اصول و مبانی که در تدوین علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه سبحانی باید مورد عنایت قرار گیرد توجه به ارزش های اخلاقی قرآن است، ایشان در این باره فرمودند: «توجه به اینکه ارزش های اخلاقی در قرآن که برای خویش اصالت دارد در بررسی تولید علوم انسانی که به حوزه اخلاق مرتبط است باید این اصول اخلاقی مورد دقت و توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گیرد.»^{۵۰}

۴. توجه به زندگی ابدی

^{۴۵}. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» بقره: ۳۰

^{۴۶}. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» احزاب: ۷۲

^{۴۷}. سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی

^{۴۸}. همان

^{۴۹}. همان

^{۵۰}. همان

یکی از اصول مهم در تولید علوم انسانی از نگاه علامه سبحانی توجه به گذرا بودن زندگی دنیوی و معبر بودن آن برای رسیدن به زندگی ابدی و جاودانه آخرت است و گر نه، علوم انسانی که فقط به بعد مادی انسان محدود شود مسائلی نیز در همین محدوده خلاصه می شود که دیگر نتیجه اش تربیت انسان الی و متکامل و حیانی نخواهد بود بلکه موجودی لذت گرت برای گذران چند روزه زندگی دنیوی خواهد بود.^{۵۱}

تفاوت نگاه اندیشمندان غربی و اسلامی به انسان

یکی از مباحثی که قبل از هرگونه اقدام در تدوین علوم انسانی اسلامی بر اساس آموزه های و حیانی باد تبیین گردد تفاوت نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی در باره انسان است. علامه سبحانی در این باره فرمودند: «نگاه دانشمندان علوم انسانی در غرب با دانشمندان اسلامی در باره جایگاه انسان، مسائل مربوط به انسان و اهداف و غایات خلقت انسان متفاوت است، در غرب انسان منهای وحی و بریده از خدا و عالم غیب و موجودی تولید کننده و مصرف گرا مورد بررسی قرار می گیرد اما در نگاه قرآن انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین و امانت دار الهی مورد مطالعه قرار می گیرد و منشاء مسائلی همچون خداگرایی نیز از دیدگاه غریب ترس و نیاز است اما در اسلام، منشاء آن فطرت می باشد و یا در مسائل اخلاقی، ارزش های اخلاقی از نگاه قرآن اصالت دارد ولی از نگاه غرب ارزش های اخلاقی بر اساس سود و زیان مورد بررسی قرار می گیرد. بنا براین، علوم انسانی در غرب در باره انسانی تعریف و تدوین می شود که هیچ رابطه ای با خدا ندارد بلکه فقط به زندگی دو روزه دنیوی او توجه دارد البته شاید عده ای از آنها اعتقاد به خدا و عالم قیامت هم داشته باشند ولی این اعتقاد را هنگام بررسی و تولید علوم انسانی و علوم طبیعی مورد دخالت و توجه قرار نمی دهند، اما در اسلام می بایست خداگرایی، آخرت گرایی در تمام مواردی که به ابعاد گوناگون انسان می پردازد مورد توجه قرار گیرد، بر همین اساس گفته می شود که علوم انسانی که بخواهد سعادت انسان را فراهم نماید باید بر اساس خدا محوری تدوین گردد آنهم برای انسانی که خداوند او را برای ما معرفی کرده است نه انسان بریده از خدا و عالم قیامت.»^{۵۲}

استفاده از علوم انسانی غرب

علامه سبحانی در این باره فرمودند: «با عنایت به اینکه پایه علوم انسانی غرب دچار تضاد می باشد اما شاید نکاتی در محصولات آنها وجود داشته باشد که قابل استفاده باشد بنا براین مراد از تولید علوم انسانی اسلامی این نیست که کلاً تمام تلاش های آنها نادیده گرفته شود چرا که شاید بعضی از مسائل علوم انسانی آنها بر گرفته از دلایل

^{۵۱}. همان

^{۵۲}. همان

عقلی و تجربی باشد که بتوان از آنها استفاده نمود البته به شرطی که با اصول و حیانی اسلام منافات نداشته باشد.^{۵۳}

نتیجه گیری

با توجه به مباحث ارائه شده در بررسی و تحلیل آرای علامه شیخ جعفر سبحانی در باره مرجعیت علمی قرآن می توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

۱. تعریف قرآن

«قرآن» فراتر از آن است که نیاز به تعریف داشته باشد زیرا که قرآن نوری است می درخشد و وسبب درخشندگی غیر از خودش نیز می شود او همانند خورشید فروزانی است که تمام اطرافیانش را روشنی می بخشد و تمام نورهای غیر او تحت تاثیر نور افشانی او قرار می گیرند.

۲. جاودانگی و جامعیت قرآن

«قرآن» کتابی است جاودانه و دارای ابعاد گوناگون و بطون مختلف که در هر زمان اندیشه پیشرفت بشری به بُعدی از آن پی می برد و محققان شیفته قرآن در هر رشته از معارف می توانند بُعدی از آن را کشف کنند و پژوهش در آن تنها در انحصار عارفان، فقیهان، فیلسوفان، متخصصان علوم قدیم و الهیات نیست این که امروز دانشمندان علوم طبیعی و ریاضی و یا علوم انسانی مانند روانشناسی و جامعه شناسی، فلسفه، تاریخ، نکات نو و دقیقی از آن استفاده می کنند، خود نشانه آن است که این معجزه جاویدان دارای ابعاد مختلف و متنوعی است که در تصویر اندیشه های یک تیپ و پروژه یک فرهنگ و یک زمان نمی گنجد.

۳. منبع بودن قرآن

مرور زمان دید و بینش جدیدونویی به افراد عنایت کرده است و هر گروهی نسبت به موضوع مورد علاقه خود از قرآن، برداشت خاصی دارند و بهره گیری از قرآن (به عنوان منبع آسمانی) در زمینه های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در حال تزايد و افزایش است و محققان اسلامی با این کار و ایجاد روش های جدید، حقایقی را از قرآن استخراج می کنند که هرگز از فکر اندیشمندان دینی خطور نمی کرد زیرا وسیله استخراج این معانی بدیع از قرآن را نداشته اند.

۴. مصونیت قرآن از تحریف

یکی از پیش فرض های مرجعیت علمی قرآن، اثبات مصونیت قرآن از تحریف می باشد والا نمی شود از قرآنی که مورد تحریف قرار گرفته باشد برای مرجعیت علمی از آن استفاده کرد.

۵. جهان شمولی قرآن

^{۵۳} همان

محور و گستره تشریح و قوانین قرآن، نوع انسان است منهای هر نوع قیدی همچون قومیت، سرزمین، طائفه و رنگ که در این صورت توصیه های قرآن برای تمام انسانها در سراسر می باشد. پس این کتاب آسمانی سزاوار جهت دهی به علوم بشری است که نگاهی جامع به زندگی بشر دارد و دستورات و تعالیم آن فرازمانی و فرامکانی، یعنی جاویدان است.

۶. امکان استخراج حقایق علوم از قرآن

با در نظر گرفتن سخن ابن عباس «ان القرآن یفسرهُ الزمان» که مرور و گذشت زمان قرآن را تفسیر می کند ما در این قرن گذشته، از صدق گفتار ابن عباس آگاه شدیم زیرا نه تنها مرور زمان به دانشمندان طبیعی امکان بخشیده است که حقایقی از قرآن پیرامون خلقت زمین و آسمان و دیگر پدیده های طبیعی استخراج کنند بلکه مرور زمان که توأم با شکوفایی دانش ها و بینش های علمی انسان است به مفسران امکان بخشیده که حقایقی بسیار ارزنده ای را از قرآن استخراج نمایند.

۷. رعایت اصول و مبانی تولید علم بر اساس مرجعیت علمی قرآن

(۱. توجه به جایگاه انسان در قرآن ۲. توجه به غایت خلقت انسان ۳. توجه به ارزش های اخلاقی قرآن ۴. توجه به زندگی ابدی)

۸. تفاوت نگاه اندیشمندان غربی و اسلامی به انسان

نگاه دانشمندان علوم انسانی در غرب با دانشمندان اسلامی در باره جایگاه انسان، مسائل مربوط به انسان و اهداف و غایات خلقت انسان متفاوت است، در غرب انسان منهای وحی و بریده از خدا و عالم غیب و موجودی تولید کننده و مصرف گرا مورد بررسی قرار می گیرد اما در نگاه قرآن انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین و امانت دار الهی مورد مطالعه قرار می گیرد بر همین اساس گفته می شود که علوم انسانی که بخواهد سعادت انسان را فراهم نماید باید بر اساس خدا محوری تدوین گردد آنهم برای انسانی که خداوند او را برای ما معرفی کرده است نه انسان بریده از خدا و عالم قیامت.

۹. نهایت ناپذیری قرآن

«قرآن» معجزه جاویدان، کتاب اسرار آمیز عجیبی است که هنوز پنجه فکر بشر به همه اسرار و گنجینه های نهفته آن دست نیافته است و هر چه در باره معرفت عقلی و قوانین اجتماعی و اخلاقی و سائر تعالیم آن غور و بررسی می کند هر روز مطالب و مفاهیم تازه تری از آن استخراج می نماید، که متخصصان پیشین قرآن از آن غفلت داشتند تو گویی قرآن اقیانوس ژرف و ناپیدا کرانه ای است که با هیچ قدرتی نمی توان به ژرفای آن رسید و با هیچ نیرویی نمی توان بال اندیشه را در کرانه های آن به پرواز در آورد.

۱۰. گستره ورود قرآن به علوم

قرآن در اصول کلی علوم اسلامی و انسانی و غیر اینها ورود پیدا کرده است و بیان تفصیلی مسائل علوم را به سنت واگذار نموده است مثلا در علم فقه مباحث کلی نماز، زکات و خمس را بیان نموده ولی جزئیات آن را به پیامبر (ص) و معصومین (ص) سپرده است، زیرا قرآن شامل دستورات کلی برای انسانها است.

بنابراین خدای متعال به همه نیازهای مادی و معنوی بشر در دنیا و آخرت توجه دارد. از این رو همان‌طور که برای نیازهای اقتصادی، آیات و قوانین نازل کرده، برای نیازهای معنوی نیز آیات و دستورات عبادی نازل کرده است و همان‌طور که به جنبه‌های فردی انسان پرداخته به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، تربیتی، حقوقی و ... بشر نیز توجه کرده و آیات و مقررات آنها را نازل کرده است.

آری قرآن پاسخگوی همه نیازهای انسان در طول تاریخ به ویژه انسان‌های معاصر و به صورت خاص در حوزه علوم انسانی است البته قرآن مثل قانون اساسی است که خطوط اساسی را بیان می‌کند و جزئیات را به عهده حجت‌های ظاهری (پیامبر و امامان علیهم السلام) و حجت باطنی (عقل) گذاشته و مطالب را به صورت قوانین کلی و قضایای حقیقیه (نه شخصی و جزئی) بیان کرده که قابل انطباق با هر عصر و نسل است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳. انوری دکتر حسن و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <http://farsi.khamenei.ir>
۵. حکیمی عبدا المومن و دیگران، مبانی قرآنی تحول علوم انسانی با نگاهی بر اندیشه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات جریان شناسی و شخصیت‌های قرآن و علوم انسانی، کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی‌العلمیه، ۱۳۹۶ش.
۶. خراز رازی علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الائمة اثنی عشر، تصحیح حسینی کوه کمری، قم، بیدار ۱۴۰۱ق.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم نگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی‌العلمیه، ۱۳۹۶ش.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، شخصیت‌های میان رشته‌ای قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی‌العلمیه - ۱۳۹۶ش.
۹. سبحانی جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵ش.
۱۰. سیوطی جلال الدین، الاتقان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح، بیروت، دارالأسوه، بیروت، ۱۴۱۵.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح) - قم، چاپ: اول، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. شهیدی سید جعفر ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.

۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طلوع ابوالقاسم فرهنگ پایه لانگمن، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۹۴ش.
۱۶. طوسی محمد حسن، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی العلمیه، ۱۳۹۶.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی) - قم، چاپ: اول، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۸. طوسی محمد بن حسن، التبیان، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی بی تا.
۱۹. عالمی عبد الرؤوف، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی العلمیه، ۱۳۹۶.
۲۰. عظیمی محمد شریف، چستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، قم، جامعه المصطفی العلمیه، ۱۳۹۶.
۲۱. فرهنگ اکسفورد، ترجمه اکبر ایران پناه، تهران، مؤده، ۱۳۷۶ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه مصطفوی - تهران، چاپ: اول، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.